

## مقایسه تطبیقی الگوی فضایی مسکن شهری مبتنی بر پیشینه تاریخی و اجتماعی شهر (مطالعه موردی: شهر اردبیل)

حمیدرضا عظمتی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)، ودود رستمی<sup>۲</sup>، سمیه پورباقر<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۸

### چکیده

در طول تاریخ خانه به‌عنوان مهم‌ترین مکانی که سازگار با زندگی انسان باشد شناخته شده است. به علت عدم شناخت کافی از کاربران و نیازهای آن‌ها، امروزه شاهد تغییرات زیادی در مبحث مسکن هستیم که منجر به بی‌هویتی خانه‌ها و حرکت به سوی یکسان‌سازی در سطح کشور شده است و پیامدی جز عدم رضایت‌مندی کاربران، تغییر هنجارهای اجتماعی و از بین رفتن هویت بومی ساکنان نداشته است. درعین‌حال روی آوردن به اصول مبتنی بر شناخت نیازها، شیوه زندگی، باورهای بومی که در طول زمان تبدیل به فرهنگ آن جامعه شده است، می‌تواند موجب افزایش حس تعلق به فضا و در کل رضایت‌مندی ساکنین از برآورده شدن نیازهای واقعی خویش شود. در این پژوهش هدف آن بوده است که به بررسی الگوهای مسکن و تحولات آن در گذر زمان با در نظر گرفتن عوامل اجتماعی مؤثر پرداخته شود؛ لذا به بررسی نظام ساختاری موجود و به بازشناسی ویژگی‌های اصلی معماری بومی شهر اردبیل پرداخته شده است. پژوهش کمی - کیفی بوده و از روش تحقیق تاریخی و پیمایشی بهره گرفته شده است. در این راستا با ریش‌سفیدان و اهالی شهر مصاحبه شده و همچنین برداشت میدانی از ۳۶ نمونه خانه در شهر اردبیل مربوط به سه دوره کلی سنتی، سنتی - معاصر و معاصر، انجام شده است؛ تا به تغییرات خانه بومی اردبیل در گذر زمان از نظر تغییرات شیوه زندگی و ویژگی‌های کالبدی در این خانه‌ها و تأثیر این تغییرات بر روند تغییر الگوی مسکن شهر پی برده شود. پس از جمع‌آوری داده‌ها به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار Excel به طبقه‌بندی و نمایش اطلاعات در قالب نمودارها پرداخته شده است. در نهایت مقایسه تطبیقی تغییرات سه دوره فرض شده برای عوامل تأثیرگذار از قبیل شکل کلی خانه‌ها، الگوی پلان خانه‌ها، ویژگی‌های کالبدی و میزان بهره‌گیری از فضاها ارائه گردیده است.

### واژه‌های کلیدی:

الگوی مسکن، معماری بومی، مقایسه تطبیقی، معماری اردبیل.

۱. دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران، azemati@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران، vadood.mw14@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران، somayeh.Pourbagher@srttu.edu

## ۱- مقدمه

با نگاه به دوران اخیر آنچه دریافت می‌شود گویای این مطلب است که تعدادی از کشورها از جمله ایران در شکل دهی مکاتب هنری و به طور کلی در روند تغییرات فکری جهان نقش چندانی نداشته‌اند و بجای تعریف جایگاه خود و تلفیق شیوه‌های جدید زندگی با وضعیت فعلی‌شان در این تحولات، یک شبه داشته‌های خود را به خاطر شیفتگی آنی به اتفاقات اخیر مانند مدرنیته از دست دادند و تنها به تقلیدهایی در جهت همساز شدن با پیشرفت‌های دنیای غرب و سرانجام به سردرگمی موجود ختم شده است. نتایج این امر بر معماری نیز سایه افکنده و بیش از همه در باب مسکن اثر گذاشت. مدرنیته با سنت زدایی از فرم‌ها، کارکردها و مفاهیم و ارزش‌های خانه و خانواده که از آن به عنوان امروزی شدن می‌توان یادکرد درصدد قطع ارتباط مسکن از فرهنگ گذشته و تاریخ و هماهنگ شدن نامانوس با ویژگی‌های زمان حال بوده است.

وجود ارتباطات بین افراد در فضاهایی مانند مهمانخانه‌ها و ورودی‌هایی که برای صحبت‌های مکرر روزانه در نظر گرفته می‌شده است نیز گواه بر این موضوع است (امینیان ۱۳۹۰: ۶۰). تصور کلی خانه از الگوی ذهنی مردم در ارتباط با خانه، ریشه در فرهنگ، آداب و سنن آن‌ها دارد (میری و شاکریزاده، ۱۳۹۰).

همراه با افزایش تقاضا، تغییر حقوق اجتماعی، پیری سریع جمعیت، مدل سنتی خانواده آسیا در حال فرسایش می‌باشد (Doling and Ronald, 2014) و این مسئله در مورد ایران نیز صدق می‌کند پس حفاظت از ارزش‌های شهری اهمیتی هم‌ردیف حفاظت از آثار تاریخی دارد در نتیجه همان‌گونه که نگهداری گنجینه‌های بجای مانده از گذشتگان از وظایف دولت‌ها و ملت‌ها است پاسداری از هویت شهرها از جمله خانه نیز باید مدنظر همگان قرار گیرد. معماری شهر اردبیل با همه زیبایی‌های وام گرفته از معماری سنتی خود امروزه در مرحله بحرانی و بیمناک به خاطر از بین رفتن بقایای سنت و گذشته کم‌رنگ موجود به سر می‌برد.

این بحران به وضوح در تمام شهرهای ایران به چشم می‌خورد که نه تنها در بحث کمیت قابل رؤیت است بلکه در بعد کیفیت مسکن هر روز بیش از پیش خود را نمایان می‌کند در اردبیل مانند شهرهای دیگر ایران، اردبیلی‌ها در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که داستان زندگی آن‌ها نیست. باید توجه کرد که هم نیازها و هم توانایی افراد جامعه با گذشت زمان تغییر می‌کند (Baldwin and Tomita, 2007). از این رو، نیازهای حریم خصوصی، در زمان‌های مختلف و

با فرهنگ در دوره‌های مختلف تاریخی به دلیل تغییر آداب و رسوم و باورهای اجتماعی تغییر می‌کند (Newell, 1994). در بسیاری از مطالعات سه عامل اصلی زیر به عنوان عوامل اثرگذار بر مسکن معرفی شده‌اند: عوامل طبیعی، عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی (فاتح، ۲۰۱۰). حرکتی که با نام احیای بافت فرسوده در تلاش برای به روزرسانی بناهاست بدون توجه به الگوهای اصلی آن‌ها که جزئی از سرمایه اردبیل می‌باشد با دل سپردن به آشفتگی‌های معماری امروز ناخواسته به پامال شدن این گنجینه کمک می‌کند. این پژوهش با بررسی روند تحولات مسکن در طول دوره‌های تاریخی و همچنین شناخت جامعه شهر اردبیل و شهروندان در باب اجتماع، فرهنگ و ذائقه آن‌ها با ارائه الگوی مسکن در پی هویت بخشی به فضای شهری اردبیل و احیای آن می‌باشد تا از این طریق به پایداری اجتماعی در این شهر دست یافت.

این تحقیق در تلاش برای دست یافتن به تغییرات و روند تحول الگوی مسکن اردبیل است تا راهی باشد برای بازگشت دوباره هویت اصیل معماری به این شهر. نداشتن الگوی مناسب جهت انسجام بافت شهری نتیجه‌ای جز از دست رفتن هویت اجتماعی، سنتی و عدم انطباق با اقلیم و فرهنگ شهر اردبیل نداشته است. بنابراین احیای صحیح هویت امکان نخواهد پذیرفت مگر احیای الگوها که هم مفاهیم اصیل هویتی را دارا بوده و هم به نیازهای روز پاسخگو باشد و این امر از طریق مقایسه تطبیقی خانه‌ها در دوره‌های زمانی این شهر عملی خواهد شد. بنابراین با توجه به این که نظام کالبدی و اجتماعی شهر و خانه اردبیل هر دو دستخوش تغییرات نامطلوب قرار گرفته‌اند که باعث از دست رفتن اصالت آن‌ها گشته، باید که راه‌حلی در جهت ارائه الگوی مناسب منطبق بر رفتارهای اجتماعی و اقلیم و ارزش‌های تاریخی و استفاده از مفاهیم به یادگار مانده در بافت‌های سنتی در برابر این تحولات نامناسب اندیشیده شود. از این رو این پژوهش به دنبال راه‌حلی جهت هویت بخشی به بافت‌های شهر اردبیل از طریق دستیابی به تحولات الگوها و مقایسه تطبیقی آنها می‌باشد تا در این مسیر دستیابی به الگوی مسکن در دوره‌های بعدی را هموار کرده و موجب ایجاد حس تعلق انسان‌ها برای خانه هویت‌مند اردبیلی شود. از این رو دوره‌های زمانی اردبیل به سه بخش سنتی، سنتی- معاصر و امروزی تقسیم گردیده و خانه‌های هر دوره طبقه‌بندی شده، سپس با استفاده از ویژگی‌های کالبدی به تحلیل و الگو برداری از این خانه‌ها پرداخته شده است.

مدرنیزه شدن و اثرات آن بر خانه‌سازی و الگوهای زیستی کشور نیجریه صورت گرفته است.

بنا بر تعریفی که پاول الیور از معماری بومی دارد، معماری بومی، آن گونه از معماری است که از درون جوامع رشد می‌کند و طی زمان خود را با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فناوری سازگار می‌سازد و تکامل می‌یابد و با ارزش‌ها، اقتصاد و شیوه‌های زندگی فرهنگ‌هایی که مولد آن‌ها هستند سازگار می‌باشند و یا به‌طور خلاصه معماری بومی، معماری مردم و معماری توسط مردم و نه برای مردم است (نورمحمدی، ۱۳۸۸: ۱۹) در این تعریف اهمیت مشارکت مردم در تدوین معماری بومی، به وضوح قابل ملاحظه است تا جایی که راپاپورت نیز اذعان می‌دارد: "این نوع مسکن (بومی) تجلی آئی ارزش‌های در حال تغییر و نیز تصویر خانه و جهان‌بینی و شیوه زندگی است و حاصل مجموعه‌ای از موقعیت‌هاست" (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۲۶).

همچنین وی اشاره کرده است معماری بومی به دنبال تسلط بر طبیعت نیست بلکه در تلاش برای ایجاد تعادل با آن است. پیترو بلوچی معمار ایتالیایی معماری بومی را این گونه تعریف می‌نماید: هنر بومی، هنری است که توسط مقدار کمی از افراد متخصص و با برنامه تدوین شده ساخته نشده است بلکه در ادامه فعالیت تمامی مردمان دارای تجربه میراث پیشینه یکسان و در دامنه محدودی از تجربه توسط افراد عادی شکل گرفته است. و یا العزوازی اجزا و ویژگی‌های شکلی و فضایی خانه‌های سنتی عراق را با رویکردی اقلیمی - فرهنگی مطالعه کرده تا بتواند به عامل وجودی عناصر مختلف این نوع خانه‌ها دست یابد سرانجام عامل اقلیم، فرهنگ و در برخی موارد هردوی این عوامل را به عنوان عامل شکل‌دهنده مطرح می‌کند.

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معماری بومی:

- فرهنگ: اعتقادات، باورها، آیین‌ها، دین و مذهب
- طبیعت: اقلیم و جغرافیا
- اقتصاد: تأمین معیشت و انواع آن
- اجتماع: ساختار قبیله‌ای، طایفه‌ای و همگن و ناهمگن بودن اجتماع

روان شناسان اجتماعی، فرهنگ را به این صورت تعریف می‌کنند: «توانایی‌ها و عادت‌هایی که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب کرده است». فرهنگ و هنر همواره دارای برهم‌کنش‌های فراوانی بوده‌اند و هرگز نمی‌توان تأثیر فرهنگ یک منطقه را بر هنر و معماری آن منطقه منکر شده و نادیده گرفت. بنابراین معماری هر سرزمین ریشه در

گسست به وجود آمده در روند هویتی شهروندان اردبیل در باب مسکن که باعث بروز مشکلات عدیده فرهنگی و از دست رفتن کیفیت زندگی آن‌ها شده است که نیازمند اصلاح روند طراحی مسکن در شهر اردبیل با توجه به اجتماع، سنت، تاریخ منطقه و تحول و ارتقای کیفیت فضاهاست این امر می‌تواند موجب بازگشت روح تازه اردبیلی به این بافت‌ها شود. دست‌یابی به تغییرات الگوی مسکن در ساخت‌وسازهای جدید از اهمیت بسیاری برخوردار است. اما امروزه این ساخت‌وسازها بدون در نظر گرفتن ارزش‌های تغییر یافته صورت می‌گیرد. بدین ترتیب این سؤالات مطرح می‌شود:

- ۱- چرا خانه‌های سنتی اردبیل القاگر حس تعلق برای ساکنین است در حالی که واحدهای مسکونی جدید فاقد این حس هستند؟
- ۲- آیا می‌توان با دست‌یابی به تغییرات الگوی مسکن و هویت تاریخی- اجتماعی خانه‌های سنتی تا امروزه به احیای صحیح الگوهای طراحی امروزه را یاری نمود؟

## ۲- نقش فرهنگ و شیوه زندگی در معماری بومی

ریشه‌های تاریخی توجه به معماری بومی را می‌توان در قرن ۱۸ میلادی یافت. در این زمان، با استعمار کشورهای آفریقا و اقیانوسیه بوسیله اروپائیان تغییراتی در هنر و ادبیات دنیای غرب به وقوع پیوست (Yasemin and Necdet, 1990).

علاقه به بررسی معماری بومی یا در واکنش به گمنامی معماری خودی و یا درصدد یافتن اصولی برای حل مشکلات شکل گرفته است و طیف گسترده‌ای از زمینه‌های مختلف از جمله ابعاد انسانی، نیازها و فرهنگ کاربران، مواد و مصالح ساختمانی، اقلیم، انرژی و... را شامل می‌شده است (صادق‌پی، ۱۳۹۱: ۶). یافتن راه‌های استفاده شده در معماری بومی و تلاش برای انطباق آن‌ها در ساخت‌وسازهای معاصر یکی از مهم‌ترین اهداف مطالعات معماری بومی را در قرن ۲۱ میلادی به خود اختصاص داده است (Asquith, 2006).

توجه به نیازهای اصلی انسان و تلاش برای پاسخگویی به آن‌ها از جمله نکات مهمی بوده است که در معماری بومی ایران دارای اهمیت و اولویت بوده است (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۴). محققانی چون راپاپورت، لارنس یکی از عوامل مؤثر در معماری بومی را مباحث مربوط به زمینه‌های فرهنگی مطرح در معماری دانسته و شکل‌گیری معماری بومی را بر پایه مسائل فرهنگی می‌دانند. تا حدی که پاول با مطالعه خانه‌های جنوب شرقی آسیا، هالت سمیزی افغانستان، ابوتراپی نیجریه، پیرنیا ایران بر لزوم توجه به معماری بومی تأکید کرده‌اند. به‌طور مثال تحقیقات ابوتراپی در مورد

استفاده حداکثری از امکانات حداقلی است (پیرنیا، ۱۳۸۶) در حقیقت "هر فرهنگ الگوهای رفتاری ویژه‌ای را در اعضایش می‌پروراند که با آن الگوها بتوانند بهتر و آسان‌تر خود را با محیط زیست خود تطبیق دهند و روابط اجتماعی بین آنها به گونه‌ای تنظیم گردد که کمترین تنش‌ها را در روابط داخلی خود داشته و در برخورد با جهان بیرون به گونه‌ای رفتار کنند که به دوام و بقای اجتماع فرهنگی آنها آسیب سهمگینی وارد نیاید" (ثلاثی، ۱۳۸۷).

در فرهنگ لغت، شیوه‌ی زندگی یا سبک زیستن به صورت منعکس‌کننده‌ی گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه تعریف می‌شود. سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمی‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها، همه و همه تصورها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند. به عنوان مثال «زیمل» سبک زندگی را تجسم تلاش انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادی و فردیت برتر خود می‌داند. به اعتقاد وی، فرد می‌کوشد از طریق سبک زندگی، فرهنگ عینی‌اش را به سمع دیگران برساند؛ و انسان برای معنای موردنظر خود (فردیت و برتری)، شکل‌ها (صورت‌های) رفتاری‌ای را برمی‌گزیند.

زیمل توان چنین‌گزینشی را سلیقه و این اشکال به هم مرتبط را سبک زندگی می‌نامد. شیوه و سبک زندگی اغلب بیان روش زندگی مردم توأم با طیف کاملی از ارزش‌ها، عقاید و فعالیت‌های اجتماعی است که می‌توان گفت از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می‌گیرد و افراد به‌طور روزمره آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار می‌گیرد. در معنای عام و کلی، شیوه زندگی شامل فعالیت‌های معمولی روزانه است که شخص آن‌ها را در زندگی خود به کار می‌گیرد. بنابراین از این حیث، مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره است که برآوردنده‌ی نیازهای مادی و معنوی انسان می‌باشد. راپاپورت در دهه‌ی ۱۹۷۱ به ساختار کلی فرهنگ و عوامل مؤثر بر محیط‌های ساخته‌شده می‌پردازد و روش زندگی را به‌عنوان بخشی از اجزای فرهنگ می‌داند که بر سیستم فعالیت‌ها و در نتیجه بر انتخاب کیفیت‌های زندگی و محیط ساخته شده تأثیر می‌گذارد (Rapoport, 2005). او بیان می‌کند که اگر قدرت و توان یک پناهگاه، نقش انفعالی خانه باشد، هدف فعال خانه ایجاد محیطی است که به بهترین شکل با شیوه‌ی زندگی یک قوم هماهنگ و مرتبط باشد.

نقش سنت و باورها در زمینه بازسازی نه تنها شامل میراث ملموس و ناملموس جامعه آسیب دیده می‌باشد، بلکه

ادب و فرهنگ آن سرزمین دارد. بدون شناخت ادب و فرهنگ مردمانی که در پهنه‌ی آن سرزمین زیسته‌اند، نمی‌توان معماری آن منطقه را درک کرد. همچنین شناخت معماری بومی می‌تواند به منزله شناخت آن جامعه باشد بنابراین معماری به عنوان یک پدیده اجتماعی از فرهنگ نشأت گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد به عبارتی مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف من جمله فرهنگ ایجاد می‌شود. پرچم‌دار مطالعات مسکن با رویکرد فرهنگی راپاپورت است. وی در پی تحلیل فرهنگی رابطه‌ی میان خانه (مسکن/ سکونگاه) و هویت بوده و معتقد است هر بنایی تحت تأثیر فرهنگ ساکنانش شکل می‌گیرد و مطابق با آن اداره می‌شود و با شناخت هویت و خصوصیت یک فرهنگ و وقوف به ارزش‌های آن می‌توان به بررسی نحوه سکونت در آن فرهنگ پرداخت، سکونتی که باید هر دو نیاز فیزیکی و فرهنگی را جوابگو باشد. راپاپورت برای توضیح رابطه‌ی فرهنگ و محیط، مفهوم فرهنگ را تجزیه می‌کند. در قدم نخست فرهنگ را نوعی جهان بینی قلمداد می‌کند. جهان بینی "نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی‌شناسی است." (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۱۰) به نظر وی، فرهنگ "مجموعه‌ی ارزش‌ها و عقاید مردمی که ایده آل‌ها و آرمان‌های آن‌ها در یک جهان‌بینی شکل گرفته است" اطلاق می‌شود. بر اساس این اصول و قواعد است که مجتمع‌های زیستی در عین ساخته شدن به دست افراد مختلف به صورت یک "تمامیت با هویت" در می‌آیند و قابلیت تمیز از دیگر نمونه‌ها را پیدا می‌کنند (راپاپورت، ۱۳۶۶: ۱۷). تجزیه و تحلیل فرهنگ برای طراحی محیط‌های مصنوع اهمیت دارد. چرا که شیوه‌ی هرکدام از گروه‌ها ویژگی خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه اجتماعی نظیر سن، جنس، طبقه، مذهب، تحصیلات، حرفه، ایدئولوژی و... آن را تعیین می‌کند. روش زندگی به‌طور فزاینده‌ای در تقسیم‌بندی بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره‌ی استفاده‌کنندگان و در طراحی واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شیوه‌ی زندگی افراد را می‌توان با سنجش الگوهای مصرف، خوراک، حمل‌ونقل، رسانه‌ها، نوع تفریح و گذران فراغت، ارتباطات جمعی، نوع استفاده از محیط‌های اجتماعی و ... تعیین نمود (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴).

از جمله ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان که نمونه‌هایی از بهترین تجلیات آن در معماری این مرز و بوم قابل مشاهده و بازیابی است، کمال‌گرایی و فراهم آوردن هوشمندانه زمینه

۱- خانه‌های سنتی: خانه‌هایی هستند که به صورت کاملاً سنتی در شکل واقعی خودشان باقی مانده‌اند. قدمت این خانه‌ها به قاجار باز می‌گردد.

۲- خانه‌های سنتی معاصر: این خانه‌ها مربوط به دوران پهلوی هستند و تصویر کلی خانه‌های سنتی و معاصر را دارند اما با گذشت زمان و متناسب با آن به سوی معاصر شدن تغییراتی کرده‌اند.

۳- خانه‌های امروزی: خانه‌های کاملاً امروزی با الگوی خانه‌سازی و شیوهی زندگی غربی که مربوط به دهه‌های پس از انقلاب اسلامی می‌باشند.

ابتدا با شناخت خانه‌های هر دوره که توسط برداشت میدانی انجام شد، فضاها و عملکردهای هر خانه معرفی گردید، سپس شیوهی سکونت در این خانه‌ها از طریق مصاحبه با مردم بررسی شد. در این روش با بیان فعالیت‌های مادی و معنوی روزانه و سالانه در خانه‌های هر دوره به نقش و اهمیت فضاها، علت حضور یا عدم حضور عناصر و تنوع و فراوانی آن‌ها می‌توان پی برد. در نهایت در یک فرآیند مقایسه‌ای تغییر الگوی سکونت با توجه به تغییر شیوهی زندگی بررسی و تحلیل گردید.

#### ۴- محتوا و روش انجام تحقیق

به منظور بررسی و تحلیل خانه‌های اردبیل، به دلیل عدم وجود مدارک کتابخانه‌ای و نیز عدم ثبت تمامی خانه‌های سنتی توسط میراث فرهنگی، لازمه‌ی برداشت میدانی از طریق رولوه و عکس‌برداری از بافت سنتی شهر و بافت جدید اردبیل توسط نگارنده دستور کار قرار گرفت. متأسفانه در بافت سنتی تخریب زیادی صورت رفته بود که دسترسی به الگوهای سنتی را دشوار می‌نمود. مرحله‌ی برداشت میدانی در عمل حجم زیادی از کار را به خود اختصاص داد که با توجه به فقر اطلاعاتی در این زمینه، مستندسازی صورت گرفته اطلاعات ارزشمندی از مسکن اردبیل را در اختیار قرارداد تا گروه‌های تحقیقاتی دیگر امکان بهره‌گیری از آن را داشته باشند.

در حوزه مربوط به مطالعات مردم‌شناسانه، جمع‌آوری اطلاعات در این موارد از طریق مصاحبه‌های انجام شده با اهالی شهر صورت گرفت. برای این کار در مورد جوامع سنتی مصاحبه‌شوندگان از افراد برگزیده شدند که سن بالایی داشته و از اطلاعات کافی در مورد مردم سنتی و شیوه زندگی آن‌ها برخوردار بودند.

در مورد جوامع معاصر نیز از افراد میان سال که خود در خانه‌های معاصر زندگی کرده‌اند بهره گرفته شده است.

با روش زندگی و ساختار اجتماعی یک جامعه نیز پیوند عمیقی دارد (Westrik and Neuerburg, 2010).

#### ۳- روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی همراه با انجام مطالعات میدانی ابتدا به مصاحبه با اهالی و ریش‌سفیدان محلات شش‌گانه اردبیل، برداشت کروکی‌های معماری پرداخته شده است. سپس با برداشت پلان‌های سکونتگاه‌های قدیم، معاصر و جدید و تجزیه و تحلیل آن‌ها و بررسی کیفیت فضایی خانه‌ها سعی در ارائه الگویی مناسب برای معماری خانه اردبیلی می‌گردد. در بخش مطالعات میدانی، جمع‌آوری اطلاعات با روش مشاهده و مصاحبه انجام گرفت که شامل دو بخش بود. در بخش اول موقعیت محیطی، جغرافیای شهر، ساختار اجتماعی، مطالعات جامعه‌شناختی شهر اردبیل بررسی شد و در بخش دوم مبتنی بر روش مورد کاوی شامل برداشت و بررسی تغییرات کالبدی الگوی معماری سنتی، سنتی-معاصر و جدید شهر اردبیل بوده است.

#### ۴- چهارچوب پژوهش

سؤال اصلی انتخاب این تحقیق این بود که خانه‌ای که یک فرد اردبیلی با توجه به فرهنگ و شیوه زندگی‌اش نیاز دارد، چگونه است؟

برای دریافت پاسخ این سؤال ابتدا نیازمند این هستیم که اردبیل و اردبیلی‌ها را به‌خوبی بشناسیم. اینکه آن‌ها چگونه افرادی هستند؟ در چه مکانی با چه ویژگی‌هایی بزرگ شده‌اند؟ رفتارهای زندگی روزمره آن‌ها چیست؟ میزان بهره‌گیری از فضاها در یک خانه تا چه اندازه‌ای بوده و به تبع آن اهمیت فضاها به چه شکلی بوده است

به عبارت دیگر آن‌ها کجا زندگی می‌کنند و صاحب چه فضاهایی هستند و شیوه زندگی متناسب با آن در رابطه با او چگونه است؟

خانه‌های که از گذشته تاکنون در آن‌ها زندگی می‌کرده‌اند را بررسی کنیم. فضاها و عملکردها و شیوه سکونت در آن‌ها را بشناسیم.

بنابراین در این تحقیق الگوی مسکن اردبیل و شیوه زندگی در آن‌ها در دوره‌های مختلف و سیر تحول این تغییرات از گذشته تا امروز بررسی می‌شود. در این راستا خانه‌های شهر اردبیل را می‌توان به ۳ دوره‌ی ذیل تقسیم‌بندی کرد:

## ۵- تحلیل یافته‌ها

برای انجام پژوهش پلان ۳۶ خانه در سه دوره زمانی یاد شده برداشت گردیده است از طرفی این خانه‌ها را طبق وضعیت جایگیری آنها در زمین به چهار الگوی می‌توان تقسیم کرد لذا در هر دوره فراوانی و درصد بهره‌گیری از این الگوها به تفکیک در جدول ذیل ارائه می‌گردد.

بدین ترتیب در یک نگاه کل کار در دو بخش انجام گرفته است:

۱. جمع‌آوری داده‌ها (گونه‌شناسی کالبدی و شیوه زندگی)
۲. با برداشت میدانی
۳. تحلیل داده‌ها و مقایسه‌ی تطبیقی الگوی کالبدی و شیوه‌ی زندگی در گذر زمان با روش تحلیلی توصیفی.

جدول ۱: طبقه‌بندی الگوی ۳۶ خانه برداشت شده به تفکیک دوره‌های زمانی - منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

الگوی	نسبت	سنتی	سنتی - معاصر	امروزی
الگوی اول	فراوانی درصد	۶	۶	۱۱
		%۴۶	%۵۴	%۹۲
الگوی دوم	فراوانی درصد	۲	۲	۱
		%۱۵	%۱۸	%۸
الگوی سوم	فراوانی درصد	۲	۲	۰
		%۱۵	%۱۸	۰
الگوی چهارم	فراوانی درصد	۳	۱	۰
		%۲۴	%۱۰	۰



نمودار ۱. بررسی تغییرات الگوی پلان‌های اردبیل در گذر زمان - منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

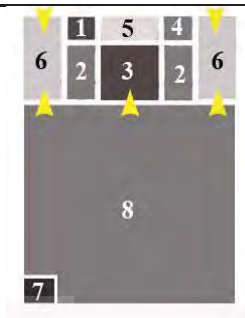
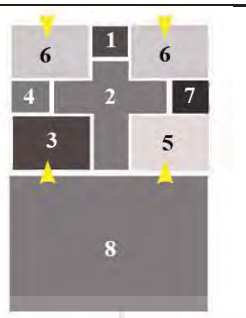

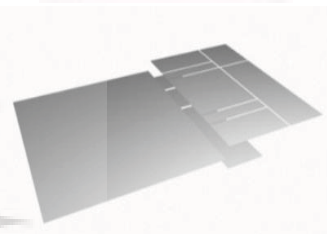
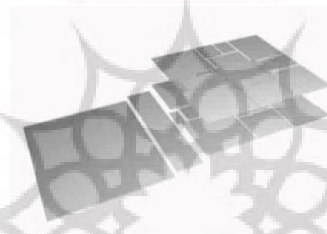
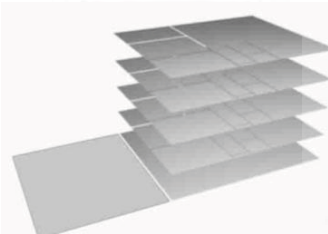
سنتی خارج شده و رفته‌رفته با تغییر در دسترسی این فضا تبدیل به پذیرایی گردیده است مطبخ که در خانه‌های سنتی از ارزش چندانی برخوردار نبوده با تغییر در شیوه نورگیری و ارتباط مستقیم با پذیرایی تبدیل به آشپزخانه شده است. به دلیل تمایل مردم به بلندمرتبه‌سازی در الگوی سه‌بعدی خانه‌ها تغییر اساسی داده شده است به این صورت که خانه‌ها از زیرزمین و یک طبقه به ساختمان‌های با چهار طبقه و یک پیلوتی تغییر شکل داده‌اند. همچنین جایگیری

همان‌طور که در نمودار بالا مشاهده می‌گردد بیشترین فراوانی را الگوی نوع اول در هر سه دوره به خود اختصاص داده است به‌گونه‌ای که طی زمان سیر صعودی به خود گرفته است، الگوهای دوم و سوم با اینکه در دوره سنتی - معاصر صعود کرده‌اند اما در دوره امروزی بشدت مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. الگوی چهارم نیز در طول زمان سیر نزولی داشته است. طبق جدول ذیل هر سه دوره زمانی از الگوی یک‌طرفه تبعیت می‌کند با این تفاوت که طنبی از مرکزیت خانه‌ی

خانه های اردبیل که در هر سه دوره از حالت یک طرفه بیشترین تبعیت دارد. نحوه نورگیری فضاها اکثراً از طریق نور شمال و جنوب انجام می گرفته است البته فضاهای اصلی مانند طنبی و اتاق از نور جنوب بهره می بردند که اکنون نیز بدین منوال می باشد.

فضاها در خانه ها دستخوش تغییرات اساسی شده است بطوریکه در خانه های سنتی تقارن به عنوان اصلی رعایت شده است اما رفته رفته در دوران پهلوی خانه ها حالت چلیپا به خود گرفته و سرانجام در زمان کنونی این اصول کم رنگ شده تا به تباهی میل می کند. به دلیل اینکه الگوی پلان

جدول ۲: سیر تحول شکل و الگوی پلان خانه ها و تأمین روشنایی فضاها - منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

الگوی پلان ها	سنتی	سنتی - معاصر	امروزی
			
			
	۱ ورودی ۲ دهلیز ۳ تنبی / هال ۴ پلکان	۵ مطبخ / آشپزخانه ۶ اتاق	۷ سرویس بهداشتی ۸ حیاط

برای هر یک از فاکتورها محاسبه کرد که در جدول زیر به تفصیل آورده شده است. داده ها حاکی از کاهش مساحت زمین و حیاط و افزایش تراکم ساخت بنا و همچنین افزایش تعداد واحد و طبقات است.

در ۳۶ خانه اردبیلی که مطالعه شده است ویژگی هایی از قبیل مساحت زمین، حیاط، زیربنا و تعداد طبقات و ... بعنوان معیارهای کالبدی این خانه ها مورد بررسی قرار گرفته است و با استفاده از مقادیر ویژگی های کالبدی به دست آمده از خانه ها می توان میانگین داده ها را در هر دوره

جدول ۳: مقایسه میانگین ویژگی های کالبدی فضاها - منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

دوره	تعداد واحد	تعداد طبقات	مساحت زمین	سطح اشغال	حیاط	زیربنا	درصد اشغال	زیربنا به کل	زیربنا به حیاط
سنتی	۱,۵	۱,۲ و زیرزمین	۵۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۳۶۰	۴۰	۰,۷	۱,۲
سنتی معاصر	۱,۸	۱,۶ و زیرزمین	۳۰۰	۱۳۸	۱۶۲	۲۷۰	۴۶	۰,۸	۳,۹
امروزی	۲,۵	۳,۵ و پیلوت	۲۰۸	۱۲۵	۸۳	۴۵۰	۶۰,۶	۲,۴	۵

تغییرات مساحت زمین، سطح اشغال، حیاط و زیربنا برحسب مترمربع برای سه دوره زمانی طبق نمودار زیر می باشد.



نمودار ۲. مقایسه ویژگی‌های کلیدی خانه در سیر زمان - منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

در نمودار پایین نیز تغییرات درصد اشغال در سه دوره نمایش داده شده است. از این نمودار در می‌یابیم دوره سنتی کمتر و دوره امروزی بیشتر از میانگین درصد اشغال خانه‌های بررسی شده می‌باشد و دوره سنتی - معاصر در مقایسه با دو دوره دیگر به این میانگین نزدیک‌تر است.

با توجه به نمودار بالا در می‌یابیم مساحت زمین، سطح اشغال و مساحت حیاط در طول زمان کاهش یافته است. با توجه به فاکتور زیربنا، شاهد روند نزولی از دوره سنتی به دوره سنتی - معاصر می‌باشیم که این روند در دوره معکوس گردیده است. علت این امر ناشی از کاهش مساحت زمین و روی آوردن به بلند مرتبه‌سازی در دوره امروزی می‌توان عنوان کرد.



نمودار ۳. مقایسه درصد اشغال الگوی خانه‌ها در سیر زمان - منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

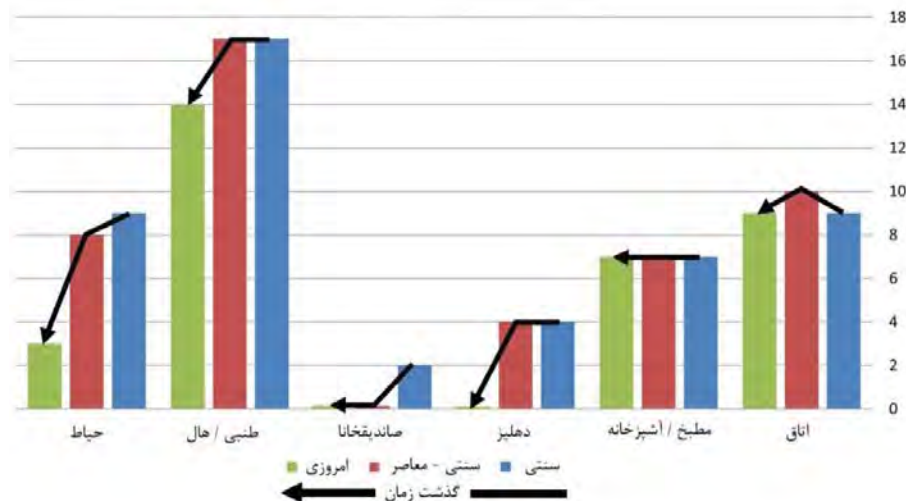
تغییرات استفاده از این فضاها در سه دوره زمانی یاد شده را نشان می‌دهد با توجه به نمودار در می‌یابیم فضاهایی مانند دهلیز و صاندیخانا به کلی از فرهنگ فضایی امروزه مردم اردبیل حذف شده است و فضاهایی مانند اتاق و آشپزخانه تقریباً بدون تغییر مانده‌اند. نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت می‌باشد این است که استفاده از حیاط بیشترین افت را در

از مهمترین عوامل تاثیرگذار در الگوی مسکن هر منطقه‌ای، شیوه زندگی مردم بومی آن منطقه می‌باشد. این شیوه زندگی برگرفته از میزان فعالیت‌های مادی و معنوی ساکنین خانه‌ها می‌باشد که تأثیر مستقیم بر روی میزان استفاده از فضاها می‌گذارد. بعد از طبقه‌بندی فعالیت‌های ساکنین خانه‌های بررسی شده، میزان فراوانی استفاده از فضاها در یک نمودار میله‌ای به شکل زیر آورده شده که



اهمیت و بهره‌گیری از این فضا در گذر زمان می‌باشد.

مقایسه با دیگر فضاها دارد این موضوع حاکی از کاهش



نمودار ۴. تغییرات فراوانی استفاده از فضاها - منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

#### ۶- نتیجه‌گیری

اردبیل به وضوح قابل رؤیت است در بعضی موارد منجر به حذف یک فضا و مفهوم آن از خانه‌ها و اذهان مردم اردبیل شده است. این در حالی است که همان مخاطبان نیازهایی را مطرح کرده‌اند که طی گذر زمان فضاهای پاسخ‌ده همان نیازها از بین رفته و یا کم‌رنگ گردیده است. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که در الگوهای پیشین فضاهای عمومی و خصوصی به صورت جدا از هم طراحی می‌شده‌اند و معمولاً فضاهای اصلی خانه به صورت یک لایه در ضلع شمالی در نظر گرفته شده است. بنا به مطالعات انجام شده، خانه‌های یک طرفه در هر سه دوره بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و با گذر زمان سایر الگوها مورد استقبال قرار نگرفته‌اند. همچنین در الگوی مسکن فضاهایی با کارکردهای مثبت وجود داشته است که به مرور زمان این فضاها به دست فراموشی سپرده شده‌اند. فضاهایی مانند دهلیز، صاندیخانا، طنبی، قوناق اوتاقی، حیاط از مواردی است که کمبود آن‌ها در زندگی مردم اردبیل احساس می‌شود. نادیده گرفتن برخی فضاها در دوره امروزی ناشی از تغییر سبک زندگی در منطقه بوده که رفته رفته فضاها به مقیاس ماشینی تبدیل شده‌اند، در جامعه امروزی پارکینگ رفته رفته جایگزین فضایی مانند حیاط که از افت شدیدی در بهره‌گیری از آن را شاهد بودیم می‌گردد و این جایگزینی از طریق تغییر ماهیت وظایف این فضاها بوده است. تغییرات انجام گرفته در مفصل ارتباطی فضاها، شکل و الگوی پلان، تغییرات در موقعیت و نحوه ورود به فضا، روشنایی و عملکرد

ارائه الگوهای منطبق با فرهنگ بومی شهر اردبیل می‌تواند نظم مطلوبی را به ساختار این شهر داده و چون این الگوها برآمده از رموز نهفته در معماری گذشتگان می‌باشد اصلاحاتی را در زمینه فضای شهری، فرهنگ، سازه، مصالح، تناسبات، چیدمان و ... به همراه خواهد داشت که موجب صرفه جویی اقتصادی و ارتقای کیفیت فضاها و افزایش حس تعلق و آسایش کاربران خواهد بود. اصلی‌ترین نتیجه در این پژوهش متوجه بررسی روند تحول الگوهای مسکن بخصوص از دید کالبدی در شهر اردبیل می‌باشد که می‌تواند راه‌گشای دستیابی به الگوی مسکن معاصر و طراحی هویت‌مند در این شهر گردد و از این طریق موجب افزایش حس تعلق اردبیلی‌ها به خانه‌های خود و در نهایت طراحی خانه هویت‌مند شود. مقایسه تطبیقی در فاکتورهای بررسی شده گویای این هستند که فضاهای خانه اردبیلی در گذر زمان دستخوش تغییراتی هم در زمینه ی کالبدی و هم شیوه زندگی و استفاده از فضا بوده است. چیزی که حائز اهمیت است عدم توجه معماری امروزی اردبیلی‌ها به اصول و مفاهیم گذشته می‌باشد مفاهیمی که گاهی از روی ناآگاهی با تعاریف نامأنوس دیگران جایگزین شده است. در گفت‌وگو با مردم اردبیل می‌توان پی برد که آن‌ها نیز مشتاق استفاده از فضاهایی هستند که از گذشتگان برای آن‌ها به ارث مانده است، اما با اعمال تغییراتی جهت همسازی این خانه‌ها با شیوه‌های زندگی امروزه، تغییرات فرسایشی که در خانه‌های

فضا و در نهایت تطبیق کالبدی خانه با شیوه زندگی مردم  
 اردبیل حاکی از این است که کیفیت فضاها در مواردی  
 تغییر در شیوه زندگی مردم شده است، کاهش ابعاد خانه‌ها  
 و افزایش درصد اشغال و زیر بنا گواه این موضوع می‌باشد.  
 بخصوص در بحث کالبد، سیر نزولی داشته به طوری که باعث

#### فهرست منابع:

- امینیان، سعید؛ جانی پور، بهروز و سهرابی، ثریا (۱۳۹۰). گونه‌شناسی مسکن روستایی استان هرمزگان، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۳، صص. ۱۸-۳.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶). سبک‌شناسی معماری ایرانی، چاپ پنجم، نشر سروش دانش، تهران.
- ثلاثی، محسن (۱۳۸۷). جهان ایرانی و ایران جهانی، چاپ پنجم، نشر مرکز، تهران.
- راپاپورت (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن، افضلیان، خسرو: آستان قدس رضوی، ۲۶.
- راپاپورت، ایاموس (۱۳۶۶). منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، مترجم: راضیه رزازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- صادقی، ناهید (۱۳۹۱). تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی، نشریه شهر و معماری بومی، شماره ۵، ص. ۶.
- میری، سیدحسین و شاکریزاده ابیانه، عباس (۱۳۹۰). از بردیه تا ساریه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- نور محمدی، سوسن (۱۳۸۸). درک سرشت فضای معماری با تأمل در تشابه فضا در سکونتگاه‌های بومی، رساله دکتری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- Yasemin A. & Necdet T., (1990). Vernacularism in Architectural Education, in Turan M. (Ed.), Vernacular Architecture: Paradigms of Environmental Response, Aldershot.
- Asquith L. & Vellinga M., (2006). Vernacular Architecture in the Twenty-first Century, London and New York, Taylor & Francis Group.
- Azemati H., Pourbagher S. & Mahdavinejad M., (2015). Toward Comprehensive Approach to Sustainable Architectural Buildings; Case Study: Residential Complexes of Iran, Proceedings of the 1st International Congress on New Horizons in Architecture and Planning, Tehran.
- Fatah M. & Daryoosh B., (2010). Rural Architecture 1 & 2 (2nd Ed), Science & Knowledge Publication.
- Rapoport A., (2005). Housing & Society, Vol. 25, pp. 1-20.
- Doling J. & Ronald R., (2014). In J. Doling, & R. Ronald (Eds.), Housing East Asia: Socioeconomic and Demographic Challenges, Hampshire: Palgrave Macmillan.
- Westrik C. & Neuerburg S., (2010). The Role of Culture in Post-conflict and Post Disaster Situations, Forum Archaeologies, Vol. 55, No. 5, <http://farch.net>.
- Baldwin E. & Tomita S., (2007). Housing in Response to the Human Life Cycle, In: Proceedings of Paper Presented at the 2nd International Conference on Technology and Aging (ICTA), Toronto.
- Newell P.B., (1994). Asystems Model of Privacy, Journal of Environmental Psychology, No. 1, Vol. 14, pp. 65-78.